



ادامه در صفحه ۳

به مناسبت ۲۱ اردیبهشت ماه، سالگرد تیرباران خسرو روزبه مشعل فروزان امید و پیکار

بیش از نیم قرن از تیرباران رفیق خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران می گذرد. درسحر گاه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷، رژیم کودتا آمریکایی با تیرباران خسرو روزبه به زعم خود کوشید "آخرین" شعله های رزم و پیکار را خاموش ساخته و سکوتی گورستانی را برمیپهن ما حاکم کند. اما تاریخ نشان داد، آنکه در گورستان فراموشی با ننگ ابدی به خاک سپرده شد، رژیم ضد ملی شاه بود و آنکه تا به امروز در اندیشه و اراده جویندگان راه حقیقت زنده و مژده بخش است، خسرو روزبه، حزب و آرمان ها و آرزوهای شریف و انسانی اوست!



شماره ۸۱۶، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

دوره هفتم، سال بیست و سوم

اطلاعیه های دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در ص ۲

مخارج مالی ستاد انتخاباتی احمدی نژاد از کجا تامین می شود؟!

با استعفای ثمره هاشمی از دولت و تعیین او به سمت ریس ستاد انتخاباتی احمدی نژاد در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری و نیز آغاز فعالیت جریان با نام "ستادهماهنگی حمایت های مردمی از احمدی نژاد" با هدایت ثمره هاشمی، موضوع بسیار جدی چگونگی تامین منابع مالی فعالیت های گسترده انتخاباتی احمدی نژاد به بحث روز بدل شده و پیرامون آن گمانه زنی های مختلف جریان دارد. در واقع ستادهای حامی احمدی نژاد در سراسر کشور به شکل بسیار برنامه ریزی شده و دقیق مشغول به فعالیت هستند که چنین اقداماتی بدون پشتوانه مالی کلان امکان پذیر نیست. روزنامه اعتماد ملی ۱۵ اردیبهشت ماه امسال در مطلبی با اشاره به حامیان احمدی نژاد در انتخابات سال ۱۳۸۴ به موارد جالب و قابل تاملی اشاره کرده است، اعتماد ملی از جمله در این باره نوشت: "اولین مساله ای که پس از اعلام آغاز فعالیت ستاد هماهنگی حمایت های مردمی از احمدی نژاد به ذهن متبادر می شود، نحوه تامین هزینه تبلیغاتی و امور دیگر هزینه زا در این ستاد است. هنوز اطلاعاتی در این مورد و اینک چه شخصیت های نامداری در عرصه سیاست و اقتصاد و حتی ورزش در فکر کمک مالی به این ستادها هستند، اعلام نشده است. اما در سال ۱۳۸۴ چه کسانی در پشت پرده کمک های مالی ستاد احمدی نژاد بودند و آیا امروز هم پول های خود را به حساب رییس دولت مهرورزی واریزی می کنند یا خیر؟ ... اکثر هزینه های ستاد در سال ۱۳۸۴ تحت نام آقاخان و از سوی دیگران تامین می شد"

این روزنامه سپس به بررسی نام این شخص و دیگر افراد موثر در تامین منابع مالی تبلیغات احمدی نژاد پرداخته و توضیح می دهد، رستم سید آقاخان از نزدیکان رییس جمهور و از نامزدان ستاد حامیان دولت در انتخابات شورای شهر تهران در آذرماه ۸۵ بود. رستم سید آقاخان پس از پیروزی احمدی

ادامه در صفحه ۳

انتخابات ریاست جمهوری، خواست های اساسی جنبش مردمی، و واقعیات جامعه ما

روزنه ای برای شکست برنامه های ارتجاع و برگماری مزدورانی همچون احمدی نژاد برای جنبش باز نمانده باشد. ("نامه مردم"، شماره ۸۱۱، ۱۲ اسفندماه ۱۳۸۷).

ارزیابی تحولات سیاسی کشور از خرداد ۷۶ تا به امروز و شرکت مردم در روند های انتخاباتی گوناگون تجربه مهم و ارزشمندی است که باید از آن برای رسیدن به ارزیابی عینی و علمی شرایط کنونی بهره جست.

به عنوان نمونه در آستانه نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، بخش هایی از نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور، با اشاره به ساختار قدرت سیاسی در ایران و تمرکز آن در دست ولی فقیه، مردم را به تحریم انتخابات فرا می خواندند، شرکت در انتخابات را مشروعیت بخشیدن به رژیم ولایت فقیه قلمداد می کردند و حزب توده ایران را به عدم درک درست شرایط کشور، انحراف و طرح شعارهایی ناهمخوان

ادامه در صفحه ۶

با نزدیک تر شدن موعد برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، مسئله ضرورت اتخاذ سیاست های مشخص مبارزاتی و همخوان با شرایط و امکانات عینی و ذهنی جامعه ما به یکی از مسایل اصلی پیش روی سازمان های سیاسی و نیروهای اجتماعی کشور بدل شده است. حزب ما از هفته های پیش در ارزیابی شرایط موجود کشور و ضمن هشدار باش در زمینه ضرورت برخوردهای واقع بینانه به توازن نیروها در درون جامعه بر این نکته کلیدی تأکید کرد که: "حرکت به سمت تحریم انتخابات، بدون تلاش برای مقابله با برنامه ها و ترفندهای مرتجعان حاکم و ایجاد جنبشی سراسری برای تشدید مبارزه سیاسی و افشاگرانه بر ضد رژیم و همچنین تحمیل آنچنان شرایطی که حضور نامزدهای اصلاح طلب و دگراندیش در رقابت های انتخاباتی امکان پذیر باشد، بی شک تنها به سود نیروهای ارتجاعی تمام خواهد شد. عدم شرکت در انتخابات در آن صورت قابل توجیه است که هیچ

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ضرورت هوشیاری رفا، هواداران و دوستان حزب برای مقابله با توطئه های رنگارنگ رژیم

در پی انتشار سند مهم پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، در آذر ماه ۱۳۸۸، و افشای برنامه های پیچیده و گسترده دستگاه های امنیتی رژیم برای نابودی حزب توده ایران، جنگ روانی - تبلیغاتی بر ضد حزب توده ایران و ارگان های رهبری آن تشدید شده و هر روز ابعاد جدیدی به خود می گیرد. افشاگری های مهم سند پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب دربارۀ توطئه های رژیم از جمله راه اندازی نشریه ضد توده ای "راه توده"، و نامه نگاری ها تحت هدایت و نظارت وزارت اطلاعات، به نام "اک" برای ایجاد انشعاب و انفجار در حزب، ضربه مهمی به برنامه های دستگاه های امنیتی برای حزب سازی و مختل کردن فعالیت های حزب توده ایران وارد کرد و با استقبال گسترده اعضا، هواداران و دوستان حزب رو به رو شد.

اخیراً نامه ای جعلی به نام رفیق محمد امیدوار با عنوان "سخن گو از انقلاب..." در راستای همان برنامه های ارتجاع، که کمیته مرکزی حزب توده ایران دربارۀ آن اظهار نظر کرده است، چاشنی تبلیغات ضد توده ای شده و در یک پایگاه اینترنتی به چاپ رسیده است. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب اعلام می کند که این نامه، که گویا از طریق پست الکترونیکی به این پایگاه خبری رسیده است، نامه ای است سر تا پا جعلی و گیرنده و منتشر کننده این نامه هم معترف است که دربارۀ صحت و سقم این نامه از رفیق خاوری سؤال کرده است و رفیق نیز آن را در راستای برنامه تخریب حزب ارزیابی کرده است. پاسخی که ظاهراً مورد قبول سؤال کننده قرار گرفت. آیا انتشار چنین نامه ای آنهم پس از اطلاع یافتن از جعلی بودن آن می تواند معنایی جز آب به آسیاب ریختن برنامه ریزان ارتجاع و دشمنان حزب داشته باشد. ما در سال های اخیر و با توجه به برنامه های رنگارنگ رژیم برای تحریک و دروغ پراکنی دربارۀ حزب همواره اعلام کرده ایم و باز هم تأکید می کنیم که مواضع حزب توده ایران و ارگان های رهبری آن تنها در صورت انتشار در "نامه مردم" و پایگاه اینترنتی حزب قابل استفاده و اتکاء است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این تلاش های مذبوحانه باردیگر همه اعضا، هواداران و دوستان حزب را به هوشیاری در مقابل توطئه های رنگارنگ دشمنان حزب فرا می خواند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دروغ پر شور بر جنبش کارگری ایران!

به دنبال فراخوان برگزاری مراسم ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر توسط کمیته برگزاری مراسم، که از تعدادی سندیکاهای کارگری کشور از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، هیات موسس بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی تشکیل یافته بود. صدها کارگر و فعال سیاسی و اجتماعی و صنفی در مراسم روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران شرکت کردند. در این مراسم، ماموران وزارت اطلاعات، نیروهای انتظامی و بسیج با یورش به شرکت کنندگان در همان دقایق اولیه مانع از برگزاری این روز جهانی در تهران شدند. کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه با انتشار اطلاعیه ای اعلام داشت در جریان حمله ماموران سرکوبگر رژیم ولایت فقیه ده ها فعال کارگری دستگیر و تعداد بسیاری مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

در اطلاعیه شماره یک این کمیته آمده است: "به مناسبت روز جهانی کارگر... بنابه فراخوان تشکل های مستقل جنبش کارگری ایران که خواسته ها و مطالبات کارگران ایران در آن قید شده بود... جمعه (۱۱ اردیبهشت) ساعت ۵ عصر، با حضور تعداد زیادی از کارگران، فعالین کارگری، خانواده های کارگران و مردمی که بنابه فراخوان در محل پارک لاله و در اطراف میدان آب نمای آن تجمع کرده بودند، مراسم روز جهانی کارگر و حضور برای اصرار برخواستۀ های کارگران (مندرج در فراخوان و قطع نامه آن) انجام گرفت. نیروهای امنیتی که از روزهای قبل با احضار، تماس تلفن دایم و تعقیب کارگران و فعالین کارگری قصد ایجاد رعب و وحشت برای ممانعت از برگزاری مراسم را داشتند... در پوشش نیروهای انتظامی و تعداد زیادی نیروهای لباس شخصی اطلاعاتی، از ساعت ها پیش در محل پارک لاله مستقر شده بودند. از طرفی نیروهای حراست برخی شرکت ها و کارخانه ها از جمله شرکت واحد نیز در تجمع حضور داشتند تا با شناسایی کارگران فعال آن واحد کارگری، آنان را به نیروهای امنیتی معرفی کنند."

همچنین نیروهای اطلاعاتی به طور گسترده از شرکت کنندگان در مراسم فیلم برداری می کردند. اطلاعیه کمیته برگزاری سپس با اشاره به حمله گزمنگان رژیم ولایت فقیه به صفوف کارگران می نویسد: "بلافاصله پس از شروع مراسم... نیروهای امنیتی افسار گسیخته و خشمگین به جمعیت شرکت کننده حمله ور شدند. بسیاری از مردم با باتوم و شوک الکتریکی مورد هجوم قرار گرفتند... پلیس نوعی گاز سرفه آور و سوزاننده چشم در اطراف پراکند... شمار بسیاری از کارگران و شرکت کنندگان در مراسم، پس از ضرب و شتم و در مورد تعدادی زیادی با کوبیدن سروصورتشان به دیواره ونرده های اطراف حوض و خونین کردن آنان، دستگیر شدند." در خلال این مراسم بیش از یکصد و پنجاه نفر از زن و مرد و رده های سنی جوان تا سالمند با وحشیانه ترین روش ها دستگیر شده اند. این یورش وحشیانه هراس ارتجاع از همستگی میان کارگران و زحمتکشان ایران را به نمایش می گذارد. حضور صدها کارگر و خانواده های کارگری در مراسمی که چندین تشکل مستقل فراخوان آن را صادر کرده بودند، به نوبه خود یک موفقیت برای جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما است.

حزب توده ایران، ضمن حمایت قاطع از فعالیت سندیکاهای مستقل کارگری و حق برگزاری آزادانه مراسم روز جهانی کارگر هجوم گزمنگان رژیم به مراسم اول ماه مه در تهران را به شدت محکوم کرده و در دفاع از منافع و حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بویژه باهدف تامین حقوق سندیکایی آنان، همه سازمان های مستقل سندیکاهایی را به اتحاد عمل و تقویت صفوف جنبش کارگری-سندیکایی موجود کشور فرا می خواند. باید برای احیای حقوق سندیکایی و آزادی همه کارگران دربند از جمله باز داشت شدگان مراسم اول ماه مه متحداً مبارزه کرد!

پیش بسوی احیای حقوق سندیکایی و ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری!
برای آزادی کارگران در بند و همه زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
دوشنبه، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸

ادامه به مناسبت ۲۱ اردیبهشت ماه ...



برای نسل جوان که پای در میدان دشوار گذاشته است، نام و خاطره خسرو روزبه همچون نسل های پیشین الهام بخش و ارجمند است. نسل های پی درپی آرمان خواهان میهن ما به حق روزبه را تجسم اصولی و بی خدشه مبارزه انقلابی می دانند، از او می آموزند و راه پرفراز و نشیب نبرد برای سعادت توده های کار و زحمت را با گام هایی که استواری آن از روزبه به ارث رسیده طی می کنند. نقش و تأثیر زندگی و پیکار رفیق شهید خسرو روزبه در جنبش مردمی کشور ما، به ویژه در میان مدافعان سوسیالیسم و رهایی طبقه کارگر، تا به آن پایه است که تحریف شخصیت و جایگاه تاریخی خسرو روزبه در نوشته ها، جزوات و تاریخ نگاری های وابستگان به امپریالیسم و رژیم واپس گرای ولایت فقیه، جای ویژه ای را به خود اختصاص داده است.

خسرو روزبه در دفاعیات خود مسیر زندگی خویش را که منجر به پیوستن به صفوف حزب توده ایران و مبارزه در راه سعادت و خوشبختی توده های محروم شد با کلماتی آتشین و پرشور بیان می کند، کلماتی که هنوز نیز پس از سالیان دراز انگیزه بخش و شورآفرین است. روزبه در دیدگاه نظامی خطاب به دادرسان اعلام می دارد: "اگر عاشق و شیفته سوسیالیسم هستیم، با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آن را بر سایر رژیم ها احساس کرده ام و محرک من در هر عملی که انجام داده ام، آرزوی تحقق این اصول و بالتبع ایجاد بنای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تأمین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است ... من به اقتضای آتشی که به خاطر خدمت به خلق های ایران در درون سینه ام شعله می کشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را، راه مقدسی شناخته است و تمام سلول های بدن من و تمام ذرات وجودم توده ای است ... " آیا چنین کلمات شورانگیزی درباره مبارزه برای خوشبختی انسان و توده ی محروم را می توان با تحریف و دروغ پردازی از ذهن جستجوگر و تشنه حقیقت نسل جدید مبارزان آرمان گرای امروز ایران زدود؟! پاسخ بی تردید منفی است.

زننده یاد رفیق احسان طبری در مطلبی به نام "هدف زندگی چیست؟" با ژرفکاو و ویژه خود به بررسی مساله سعادت انسان به عنوان هدف زندگی پرداخته و با تأکید بر اینک: "هدف زندگی کنونی ما آفرینش، کار و پیکار برای به پا داشتن کاخ پیروزی و سعادت و عظمت انسانیت است." در خصوص انسانی که پای در راه مبارزه می گذارد و سعادت را در نبرد اجتماعی به سود عدالت و برابری می بیند، از جمله نوشته است: "کسی به سعادت نبرد اجتماعی دست می یابد که دارای عقل واقع بین، روح انسانی و اراده نیرومند انقلابی است. به ویژه اراده قوی نقش درجه اول دارد زیرا عصر ما هنوز عصر مشکلات و موانع است. برای آنکه خوب بکوشیم و نیکو به رزمیم باید قوی ال اراده باشیم. اشخاص ترسو، بی پشتکار، منززل، مردد، بدبین، ناتوان در مقابل کوه دشواری ها خرد می شوند. ولی اراده ای که با عقل واقع بین و روح انسانی همراه نباشد نیروی اهریمنی است. لذا باید تربیت نسل معاصر بر روی این سه محور (عقل واقع بین، روح انسانی و اراده نیرومند انقلابی) و به ویژه محور تربیت اراده قوی متکی شود. باید روح قهرمانان انسان دوست و واقع بین را در نسل معاصر رخنه داد. این است محمل معنوی حرکت به جلو." [هدف زندگی چیست، نوشته های فلسفی و اجتماعی-جلد اول-احسان طبری- چاپ سوم ۱۳۸۶- صفحه ۳۲۲]

باید اضافه کنیم برای رخنه روح قهرمانان انسان دوست و واقع بین و برای تربیت اراده نیرومند انقلابی نسل جوان کنونی در مبارزه برای خوشبختی، خسرو روزبه از جمله نمونه های برجسته ای در تاریخ معاصر میهن ما است!

گل سرخ نو می کند یاد دوست
که رنگ گل سرخ از خون اوست
بهارا، گل تازه را یاد ده
ز سرو کهن، خسرو روزبه

... بخشی از منظومه بلند خون بلبل اثر شاعر بزرگ ملی ه. ا. سایه اسفند ۱۳۵۸.

ادامه مخارج مالی ستاد ...



نژاد و تشکیل دولت به اصطلاح "عدالت محور" از موسسان و عضو هیات مدیره شرکت بهزیست بنیاد است. این شرکت با نام فعالیت در امور خیریه و تأمین مطالبات افراد محتاج در سال های گذشته، بزرگترین شبکه قاچاق پوشاک و محصولات نساجی به داخلی ایران بوده است که از این راه میلیاردها تومان سود کسب کرد. با افشای این شبکه و گزارش تخلفات مالی عظیم شرکت بهزیست بنیاد، اکنون تأمین منابع مالی ستاد حمایت از احمدی نژاد شکل دیگری به خود گرفته است و اینبار مأموریت تأمین منابع عظیم مالی به سود احمدی نژاد برعهده مهرداد بذریاش گذشته شده و این چهره بسیار نزدیک به شخص رییس جمهوری با انتقال از شرکت خودروسازی سایپا به مدیریت بزرگترین و ثروتمندترین شرکت سرمایه گذاری ایران یعنی شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی (شستا) تلاش خواهد کرد بودجه ستادهای حمایت از احمدی نژاد را از سرمایه و ثروت این شرکت تأمین و تضمین کند. پایگاه خبری شهاب نیز ۲ اردیبهشت ماه در گزارشی از نقش مهرداد بذریاش در مدیریت شستا از جمله خاطر نشان ساخت: "شستا شرکت عظیمی است که ده ها شرکت مادر و بزرگ را تحت اختیار دارد و به عنوان بزرگترین و ثروتمندترین بنگاه اقتصادی کشور شناخته می شود. مهرداد بذریاش که در سال ۱۳۸۴ جزیی از تیم مشاوران جوان آقای احمدی نژاد بود، در انتخابات شوراها سوم به عنوان رییس گروه رایحه خوش خدمت فعالیت کرد و هم اکنون علاوه بر مدیریت شرکت ثروتمند سایپا (پیش از استعفا)، روزنامه پرهزینه وطن امروز که جزیی از زنگ رسانه های حامی دولت است را نیز منتشر می کند ..."

این نکته را نیز بیفزایم که، شرکت سایپا خود یکی از شرکت های زیر پوشش شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی یعنی شستا است. انتقال فرد نزدیک به احمدی نژاد از سایپا به بزرگترین شرکت سرمایه گذاری موجود ایران، باعث گردید، رسانه های همگانی در ارتباط با این موضوع هشدار دهند: "اکنون با جایجایی بذریاش از سایپا به شستا، سبب به وجود آمدن شائبه های جدیدی در خصوص تأمین منابع مالی ستاد انتخاباتی احمدی نژاد شده است، اگر چه تاکنون رییس ستاد انتخاباتی رییس جمهور در این خصوص سخن نگفته و منابع مالی ستاد خود را شفاف معرفی نکرده است ..."

با تأکید بر چنین گزارشی می توان ماهیت واقعی دولت احمدی نژاد و منابع مالی و حامیان او را شناخت. حامیانی که خود نیز از حمایت دولت در ۴ سال گذشته بهره ها برده اند.



آزادی برای همه دانشجویان در بند!

خبرنامه امیر کبیر ۶ اردیبهشت ماه نوشت: "ظهر روز (۵ اردیبهشت ماه) دانشجویان پردیس کرج دانشگاه تربیت معلم در اعتراض به ورود نیروهای انتظامی و تهدید دانشجویان با سلاح گرم دومین تریبون آزاد و تجمع خود را برگزار کردند"

تهدید دانشجویان معترض با سلاح گرم، شکنجه دانشجویان دربند و تعلیق ترم های تحصیلی همگی رشته های به هم پیوسته برنامه ارتجاع حاکم برای درهم شکستن جنبش دانشجویی و مهار آن در لحظه کنونی یعنی انتخابات ریاست جمهوری است. ارتجاع می کوشد، به اشکال مختلف جنبش دانشجویی را وادار به عکس العمل نشده کرده و از این طریق یکی از مهم ترین و موثرترین گردان های جنبش مردمی را خنثی و سترون سازد. با حفظ هوشیاری و تشدید مبارزه حق طلبانه باید این توطئه را افشاء و ناکام ساخت!

دروغ پردازی به سود مقاصد رژیم ولایت فقیه

یکی از شگردهای اصلی رژیم ولایت فقیه در مقابله با جنبش مردمی و احزاب و سازمان های مترقی، ملی و آزادیخواه، دامن زدن به جو بی اعتمادی برای ایجاد تفرقه و پراکندگی میان نیروهای سیاسی میهن دوست است. در این زمینه جو سازی، جعل و تنظیم خبرهای دروغ و ساختگی با وسعت خیره کننده ای از سوی سایت ها، خبرگزاری ها و مطبوعات وابسته به رژیم بویژه طغیان ارتجاع حاکم در فضای رسانه ای و همچنین افکار عمومی جامعه رواج داده می شود. این امر حتی در آستانه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری شامل حال نامزدهای اصلاح طلب حکومتی نیز گردیده و روزی نیست که با خبرهای جعلی و یا پیامک های دروغین در حجمی گسترده به تحریک و جو سازی نپردازند. سایت ها و خبرگزاری های خارج از ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیستند. برخی از این سایت ها و روزنامه های اینترنتی عمداً و همسو با داخل کشور به جعل و دروغ پردازی باهدف معین مشغول هستند و متأسفانه بعضی سایت ها و خبرگزاری ها نیز به دلایل مختلف گاه به دام اینگونه توطئه ها کشانده می شوند.

اخیراً و به موازات اوضاع حساس و بغرنج کشور یکی از خبرگزاری های خارج از کشور، در اقدامی به دور از هرگونه احساس مسئولیت سیاسی و تعهد حرفه ای و اخلاقی، با درج خبری از یک سایت اینترنتی به نام "پیک نت"، مدعی گردیده، "پیک نت" وابسته به حزب توده ایران است.

"خبرگزاری" جبهه ملی در آمریکا (شایان ذکر است براساس اعلام رسمی رهبری جبهه ملی ایران داخل کشور، این خبرگزاری هیچگونه وابستگی سیاسی و تشکیلاتی با جبهه ملی ایران ندارد) به تاریخ اول اردیبهشت ماه سال جاری خورشیدی بطور کامل یک خبر سایت "پیک نت" را با نام "مانور ۱۴۰ هوپیمای نظام با هشدار روس ها لغو شد"، را منتشر و در اختیار خوانندگان و مراجع کندگان خود قرارداد. اما در ابتدای این خبر نوشت: "سایت پیک نت وابسته به حزب توده این خبر را منتشر کرده است. با ارتباطی که حزب توده هنوز هم با روسیه دارد، میتوان این منبع را نیمه موثق دانست." اینگونه افترا و دروغ پردازی و اتهام زنی به هیچ وجه تازگی ندارد و چنین اعمالی شیوه خاص جریاناتی است که به هیچ اصول سیاسی، اخلاقی و حرفه ای پایبند نیستند و از ایجاد جو سوظن، بی اعتمادی و جعل خبر با هدف پراکندن تخم نفاق و تفرقه در صفوف جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم ایران منفعت سیاسی می برند!

حزب توده ایران ارگان های تبلیغاتی مشخص و شناخته شده ای دارد که با مراجعه به آنها مواضع، دیدگاه ها، و نظرات حزب ما قابل دسترسی است. اصولاً فعالیت سایت ها و نشریات اینترنتی مانند "راه توده" و "پیک نت"، نه تنها ارتباطی با حزب توده ایران ندارند، بلکه همانگونه که بارها

های احتمالی تان سرکنگبینی است که صفرا خواهد فزود و شعله بردامن دانشگاه خواهد افکند."

از سوی دیگر درنخستین روزهای اردیبهشت ماه به دنبال سلسله اعتراضات دانشجویی، ماموران اطلاعات سپاه و نیروی انتظامی با خشونت وارد محوطه دانشگاه تربیت معلم کرج شده و در اقداماتی وحشت برانگیز با شلیک تیرهایی به تهدید و ارعاب دانشجویان پرداختند.



تشدید فشار بر جنبش دانشجویی

گزارشات متعدد از سوی مدافعان حقوق بشر و فعالان جنبش دانشجویی حاکی از آنست که ارتجاع حاکم برابعد اعمال فشارهای هدفمند خود به جنبش دانشجویی افزوده است.

در اوایل اردیبهشت ماه، شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت با انتشار بیانیه ای نسبت به ادامه سرکوب در محیط های دانشگاهی و دستگیری و شکنجه فعالان جنبش دانشجویی اعتراض کرد. در بخشی از بیانیه می خوانیم: "جرم دانشجویان این است که چرا دروغ های دولت نهم را افشاء می کنید؟ چرا چشمتان را بر دروغ های عامل تبعیض و فساد بستید؟"

اینها دلایل حبس و تعلیق و به بند کشیدن عزیزانمان است، چرا اعتراض می کنید؟ این شاه بیت مطلب است. دو ماه است که عباس حکیم زاده عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت برای اعتراف های مجعول تحت فشار است. قریب دو ماه از بازداشت شبنم مددزاده عضو انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم می گذرد و پاسخ مناسبی در خصوص وضعیت وی به خانواده اش داده نشده است ... همچنین محمدپور عبدالله نیز که از دانشجویان طیف چپ می باشد نزدیک به سه ماه است که در بازداشت بسر می برد و مرتباً از زندان اوین به قزل حصارو بالعکس منتقل می شود، که این اقدامات نشان دهنده افزایش فشار به وی جهت پذیرفتن اتهامات واهی است."

در بیانیه سپس با اشاره به وضعیت دیگر دانشجویان دربند مانند ساناز الله یاری از دانشجویان چپ، نریمان مصطفوی، احمدقصابان و مهدی مشایخی با تاکید بر شکنجه این مبارزان جوان برای اعترافات تلویزیونی خاطر نشان شده: "..... آقای رییس جمهور مهروز بعد از ماه ها حبس رکسانا صابری به دلیل فشارها (یا بده بستان ها) بین المللی به فکر افتادند این موضوع را پیگیری کنند. چه خوب! ول یادمان نمی رود که موسم انتخابات است و خوش رقصی هایی این چنین شاید از شدت خشم فعالین حقوق بشر بکاهد. اما کجاست عدالت ورزی مدعی آقایان که ببینند دانشجویان دربند به چه جرمی روزهایشان را با مرور دیوارهای انفرادی به شب می رسانند؟ فعالین و گزارشگران حقوق بشر کجایند که چنین ظلم و اجحافی در حق این دانشجویان شایسته ثبت در تاریخ است."

در پایان بیانیه تاکید می شود: "اعتراف گیری

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

رسماً تأکید کرده ایم، راه اندازی و فعالیت چنین سایت هایی بخشی از جنگ روانی-تبلیغاتی رژیم ولایت فقیه برضد حزب ما است، از آنجا که فعالیت مخرب و مشکوک چنین سایت هایی و موارد مشابه آنها با عناوین دیگر برای همه نیروها، احزاب، سازمان ها و شخصیت های مترقی و آزادیخواه راستین و معتبر میهن ما شناخته شده است، نمی توان پذیرفت اقدام اخیر "خبرگزاری" مورد اشاره در اتهام زنی به حزب توده ایران، از سرناگاهی و یا تضادف بوده است. افترا، برچسب زنی و اشاعه خبرهای دروغ و ساختگی، جز خدمت به اهداف و مقاصد ارتجاع حاکم معنای دیگری ندارد و مدعیات "خبرگزاری" مورد اشاره درخصوص حزب ما، گویای این واقعیت است. برخلاف چنین اقدامات هدفمند و جو سازی های حساب شده، حزب ما ضمن هشدار به همه احزاب و نیروهای مترقی و آزادیخواه نسبت به توطئه های رژیم ولایت فقیه، به تلاش و مبارزه خستگی ناپذیر خود برای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری ادامه داده و از هیچ کوششی درراه نزدیکی و اتحاد عمل احزاب، سازمان ها و شخصیت های ملی و میهن دوست دریغ نخواهد کرد. به اعتقاد ما چنین سیاستی، شیوه موثر و مناسب مبارزه با توطئه های رنگارنگ ارگان ها و نهادهای امنیتی رژیم است!

جنبش زنان و طرح مطالبات در انتخابات

گروه های مختلفی از جنبش زنان در یک ائتلاف تحت عنوان "همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات درانتخابات" گرد آمده و خواست های خود را از نامزدهای ریاست جمهوری دردهمین دوره انتخابات اعلام داشتند.

در بیانیه ای که شنبه ۵ اردیبهشت ماه از سوی این ائتلاف انتشار یافته، به مواردی از جمله اصلاح برخی مواد قانون اساسی و رفع تبعیض در کلیه عرصه ها اشاره شده است. در این بیانیه تأکید می شود: "ما بخشی از جنبش زنان ... امروز نیز مصمم شده ایم، به منظور ارایه بخشی از مطالبات خود و زنان سرزمینمان، با بهره گیری از فضای انتخاباتی، ائتلاف دیگری را شکل دهیم. هدف این ائتلاف صرفاً طرح مطالبات زنان است و درصدد حمایت از کاندیدایی خاص یا مداخله درحق شهروندان برای مشارکت یا عدم مشارکت درانتخابات نیست ..."

سپس بیانیه با توضیح علت ائتلاف می نویسد: "برابری حقوقی و رفع تبعیض های جنسیتی، قومی و طبقاتی جوهره و شالوده مشترک مطالبات زنان در تمامی اقشار جامعه است ... از این رو ما، زنان و مردان ایرانی، با اعتقاد به اینکه بدون رفع تبعیض از زندگی زنان، هیچ جامعه ای به دمکراسی و عدالت به این دو آرمان همیشگی جامعه ایرانی دست نخواهد یافت، از کاندیداهای ریاست جمهوری می خواهیم درسیاست ها و برنامه های خود دو مطالبه اساسی ما را ... مورد توجه قرار دهند: ۱- پیگیری مجدانه پیوستن به کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان، ۲- تلاش درجهت رفع قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و به ویژه بازنگری و اصلاح اصول ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۱۱۵ قانون اساسی به منظور گنجاندن اصل برابری جنسیتی بدون قید و شرط ..."

ائتلاف، همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات درانتخابات اعلام داشته، حرکت آنها، حرکتی مسالمت آمیز و دستجمعی است که می کوشد با توافق هر چه گسترده تر، خواست ها و مطالبات زنان کشور را در پیوند با منافع جنبش سراسری طرح و برای آن مبارزه کند!

هشدار به همه نیروهای مترقی و آزادیخواه:

تخریب خاوران ادامه دارد!

*به تخریب بخشی گسترده ای از خاوران و انتقال پیکرهای شهدا از گورهای دستجمعی به نقاط نامعلوم توسط ماموران وزارت اطلاعات، اینک ضرورت سازماندهی یک کارزار وسیع بین المللی برای افشای اقدامات رژیم ولایت فقیه و به دادگاه کشاندن مسئولین جنایت سال ۱۳۶۷ بیش از هر زمان دیگری احساس می شود!

بر پایه گزارشات انتشار یافته و تأیید گروهی از خانواده های شهدای به خاک سپرده شده درخاوران، صبح روز شنبه ۵ اردیبهشت ماه امسال ماموران لباس شخصی وابسته به سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با استفاده از چندین دستگاه ماشین های سنگین مانند لودر به تخریب بخش وسیعی از قسمت جنوب شرقی گورستان خاوران که محل گورهای دستجمعی فاجعه ملی است، مبادرت کردند.

گزارشات فعالین حقوق بشر و شاهدان عینی حاکی از آن است، خانواده هایی که در تاریخ مذکور (۵ اردیبهشت ماه) به گورستان خاوران مراجعه کرده بودند، ضمن مشاهده آثار فعالیت ماشین های سنگین خاک برداری، بقایای اسکلت ها را که در خاک برداری نمایان شده بود به چشم دیده اند. گروهی از خانواده شهدا رسماً اعلام داشته اند که، قسمت های از بقایای استخوان های شهدای قهرمان خلق را به عنوان مدرک اقدامات ضد انسانی رژیم برداشته و در اختیار دارند.

انتقال پیکرهای شهدای هخته درخاوران به مکان نامعلوم و تخریب گورهای دستجمعی، نشانگر یک سیاست هدفمند برای محو نابودی همیشگی خاوران به عنوان یک سند تاریخی است. حزب ما، که گروه بزرگی از رهبران، کادرها، اعضا و هواداران قهرمان آن از زمره شهدای به خاک سپرده شده درخاوران هستند. همه نیروها، احزاب و سازمان های مترقی و آزادیخواه را به اقدام عاجل برای جلوگیری از تخریب بیشتر سروسناران آزادگان- خاوران- فرا می خواند. اینک بیش از هر زمان دیگر به سازماندهی یک کارزار گسترده ملی و بین المللی برای افشای جنایات رژیم از جمله اقدام تنفر برانگیز انتقال پیکر شهدا به مکان یا مکان های نامعلوم، نیاز است. حزب توده ایران در این خصوص آماده همه گونه همکاری بوده، هست و خواهد بود.

مصوبه مجلس برای تثبیت سانسور و اختناق

در آستانه برگزاری انتخابات دوره و دهم ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، با مداخله آشکار رییس آن یعنی علی لاریجانی، لایحه کنترل سایت ها و وبلاگ ها را به تصویب رساند! روزنامه اعتماد ۲۶ فروردین ماه با گزارش از نحوه تصویب این لایحه که به تحکیم فضای سانسور و اختناق یاری می رساند و در خدمت اهداف ارتجاع حاکم بویژه دولت احمدی نژاد است، از جمله نوشت: "علی لاریجانی به استناد اطلاعات ناصحیح نمایندگان حامی دولت مبنی بر اینکه تعریف نشریات الکترونیکی در قانون مطبوعات وجود دارد، حاضر به شنیدن تذکرات نمایندگان نشد تا سرانجام لایحه اصلاح قانون مطبوعات به تصویب برسد. بر این اساس مجلس اجازه کنترل سایت های و وبلاگ ها را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داد تا اگر از این وزارتخانه مجوز نگیرند بتوان با آنها برخورد قانونی کرد. حتی دادگاه سایت هایی که در وزارت ارشاد ثبت نام نکنند، دادگاه عمومی بوده و از هیات منصفه بی بهره هستند." تصویب چنین لایحه ای در مجلس ارتجاع دور از انتظار نبود، مجموعه طیف ارتجاع حاکم با علم به رشد نارضایتی اجتماعی از عملکرد دولت احمدی نژاد و در هراس از جنبش مردمی و انتشار اخبار و گزارشات (از جمله در سایت ها، وب لاگ ها ...) از زمدت ها قبل ضمن افزایش اعمال فشار به روزنامه نگاران و دست اندر کاران فعالیت های مطبوعاتی و فرهنگی، در جستجوی راهی برای کنترل فضای مجازی و اعمال سانسور در آن بودند، اینک این مصوبه جامه قانونی بر این برنامه ارتجاعی می پوشاند و امکان برخورد و سرکوب نویسندگان و روزنامه نگاران بویژه دگراندیشان را به وزارت ارشاد و نهادهای امنیتی می دهد.

روزنامه اعتماد در این زمینه می افزاید: "این لایحه (مصوبه) هزینه سنگینی برای فضای آزاد اطلاع رسانی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دارد. حتی نماینده وزارت ارشاد در مجلس هم ایاتی نکرد که در دفاعیاتش از این لایحه بگوید، هدف ثبت نام تمام سایت ها و نشریات الکترونیکی در وزارت ارشاد است. به این ترتیب نه تنها وب لاگ ها که سایت های انتخاباتی حامی کاندیداها هم باید از وزارت ارشاد مجوز بگیرند. در غیر این صورت می توان با آنها برخورد کرد و چنین فضایی هم از کاندیداها گرفته می شود." بامصوبه مجلس هشتم اینک اختناق و سانسور بیش از گذشته دگر اندیشان و نویسندگان و روزنامه نگاران دنیای مجازی را تهدید کرده واز بیان آزاد اندیشه و اخبار و اطلاعات محروم می سازد. بخشی از هدف ارتجاع از تصویب این لایحه، تقویت نقش صدا و سیما و روزنامه های واپس گرا چون کیهان، وطن امروز و رسالت است.

ادامه انتخابات ریاست جمهوری ...

با سطح مطالبات مردم متهم می کردند. بررسی برخی موضع گیری های روزهای اخیر در بخش هایی از طیف نیروهای سیاسی متأسفانه نشانگر تکرار موضعی است که قاعدتا باید نادرستی آنها در بوته آزمایش تجربیات سال های اخیر به اثبات رسیده باشد.

حزب توده ایران در تمامی این سال ها با حفظ مواضع روشن و مستقل سیاسی و ضمن انتقاد از برخی سیاست های نادرست اصلاح طلبان در دو دوره ریاست جمهوری خاتمی، در عین حال حمایت از روند اصلاحات و تلاش برای تحقق خواست های جنبش مردمی را، با درک همه محدودیت موجود، در صدر برنامه های خود قرار داده و همچنان معتقد است که با توجه به شرایط کنونی کشور راهی جز تلاش در احیا و گسترش روند اصلاحات و تقویت گردان های جنبش مردمی برای تحمیل خواست های جنبش به مرتجعان حاکم وجود ندارد.

ما در پاسخ به کسانی که همچنان بر سیاست تحریم پای می فشارند و معتقدند که در شرایط ادامه رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه هرگونه تغییری از این دست "خاک به چشم مردم پاشیدن است" این نظریه را تکرار می کنیم که در شرایط ادامه حاکمیت استبدادی ولایت مطلقه فقیه، و سرکوب خشن و خونین حقوق اکثریت وسیع شهروندان، برگزاری انتخابات در ایران همواره روالی غیر دموکراتیک و تحمیل شده از سوی مرتجعان حاکم را داشته و دارد و با انتخابات واقعاً آزاد که در آن نیروهای گوناگون سیاسی کشور حق فعالیت و ارائه نامزدهای مستقل را داشته باشند و مردم نیز بتوانند بدون هراس از نیروهای سرکوبگر رای خود را به صندوق های رای بریزند، فرسنگ ها فاصله دارد. هنر و وظیفه نیروهای سیاسی مترقی و آزادی خواه در چنین شرایطی راه یابی برای تحمیل آنچه شایسته است که مردم بتوانند با وجود همه این محدودیت ها، همچون دوم خرداد ۷۶، به نامزدی مدافع اصلاحات رای دهند، برنامه های ارتجاع و نیروهای ذوب شده در ولایت را با شکست رو به رو کنند و مسیر کنونی تحولات کشور را تغییر دهند. شرکت فعال و منسجم همه نیروهای مترقی و آزادی خواه و تلاش واحد نیروهای اجتماعی، از جمله کارگران و زحمتکشان، جنبش دانشجویی و زنان مبارز و آزادی خواه کشور در این زمینه حیاتی است. تجربه روند انتخابات گذشته و برگماری احمدی نژاد با بی عملی و گسست بخش هایی از نیروهای اجتماعی و بی سیاستی و انشعابات گوناگون در جبهه اصلاحات و همچنین در طیف وسیع نیروهای اپوزیسیون میسر گردید.

نکته اساسی که باید ملاک مهمی برای تعیین سیاست نیروهای مترقی و آزادی خواه در شرایط کنونی باشد این است که مردم از شرکت انتخابات، در صورتی که نامزدی از اصلاح طلبان در آن حضور داشته باشد، چه می توانند به دست آورند. به نظر ما برکناری دولت عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی احمدی نژاد، دولت وابستگان کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک ایران، دولت وابسته به نظامیان و نیروهای سرکوبگر و دولت برگمارده ولی فقیه رژیم، و روی کار آوردن دولتی از اصلاح طلبان یکی از مهم ترین این خواست هاست. عملکرد فاجعه بار دولت احمدی نژاد در عرصه های گوناگون، از سیاست های مخرب اقتصادی - اجتماعی و حیف و میل بی سابقه منابع ملی تا ژرفش بی سابقه فقر و محرومیت، در میان میلیون خانواده ایرانی که با بیکاری و بی پناهی روبه رو هستند، و همچنین تشدید سرکوب و خفقان و یورش خشن و وحشیانه به جنبش های اجتماعی، از جمله جنبش زنان، دانشجویی و جنبش کارگری و سندیکایی کشور، آنچه تبعات عمیق و مخربی را به همراه داشته است که متوقف کردن این روند و بازگشت به دوران اصلاحات با همه محدودیت ها آن می تواند دست آورد مهمی باشد.

ما در هفته های گذشته با اعلام نامزدی میرحسین موسوی و انصراف خاتمی، که بر اساس ارزیابی ما ضربه ای به برنامه شکست احمدی نژاد و دیگر نامزدهای مرتجعان حاکم بود، و ضمن انتقاد از ناروشن بودن مواضع موسوی در بسیاری از زمینه ها، نامزدهای مدعی اصلاحات را به روشن کردن مواضعشان فراخواندیم. این سیاستی است که از سوی دیگر نیروهای دگراندیش جامعه نیز دنبال شده است. از جمله هشت سازمان سیاسی - اجتماعی کشور با انتشار بیانیه ای خواست های خود را از نامزدهای اصلاح طلب برای روشن کردن مواضعشان چنین بیان کردند:

"حضور و مشارکت ما در انتخابات بستگی به میزان تأمین پیش نیازهای حداقلی برگزاری انتخابات سالم خواهد داشت. تداوم شرایط کنونی را در راستای منافع ملی ارزیابی نمی کنیم و تغییر در قوه مجریه را ضروری می دانیم. اولویت های ما در این رویکرد برنامه گرا و مطالبه محور عبارت است:

الف- توسعه سیاسی و ایجاد فضای تنفس و امکان حیات انسانی و فعالیت برای فعالان سیاسی و اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی و صنفی

ب- جهت گیری توسعه گرای تولیدی و ایجاد اشتغال و رفاه نسبی برای اقشار مختلف مردم

پ- اصلاح مدیریت سیاست خارجی و برخورد منطقی و مبتنی بر منافع ملی با دیگر کشورها

ت- اصلاح نظام مدیریتی کشور، با تأکید بر مبارزه با فساد، ناکارآمدی و حامی پروری..."

ما در هفته های اخیر همچنین تأکید کرده ایم که ارتجاع حاکم با تمام امکانات خود خواهد کوشید تا جلوی اعمال اراده توده ها را سد کند. مرتجعان حاکم با توجه به تجربه انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری خوب می دانند که اگر موفق شوند با اعمال فشارها، کارزار تبلیغاتی حساب شده جلوی شرکت بخش وسیعی از شهروندان، نیروهای سیاسی و اجتماعی میهن ما را در انتخابات بگیرند و همچنین دخالت وسیع نیروهای سرکوبگر، از جمله بسیج را در انتخابات تأمین کنند، خواهند توانست مجدداً احمدی نژاد و احمدی نژاد دیگری را از صندوق های رأی بیرون آورند و خواست های خود را بار دیگر به مردم ما تحمیل کنند.

ما تکرار می کنیم که حزب توده ایران اعتقاد دارد که باید با اتحاد عمل و بسیج نیروهای اجتماعی حول شعارهای مشخص، و از جمله مخالفت با حضور و دخالت نظامیان و نیروهای انتظامی در انتخابات، دوری از چند دستگی های مخرب که تنها آب به آسیاب مرتجعان حاکم می ریزد، به استقبال انتخابات و بسیج نیروهای اجتماعی برای شرکت فعال در آن رفت.

با انتخاب نامزد واحدی برای جبهه اصلاحات، درس گیری از تجربیات هشت ساله دوره دولت خاتمی و افشای تجربه چهار ساله عملکرد فاجعه بار دولت احمدی نژاد، توجه به خواست های مردم در زمینه تحقق عدالت اجتماعی و مقابله با محرومیت و فقر و همچنین قرار دادن خواست آزادی و احترام به حقوق شهروندان در صدر برنامه های انتخاباتی می توان موازانه کنونی را به نفع جنبش مردمی تغییر داد و بخش هایی از خواست های جنبش مردمی را به مرتجعان حاکم تحمیل کرد. نباید به ارتجاع اجازه داد تا با اتکا به چند دستگی نیروهای مترقی و مدافع اصلاحات تجربه تلخ انتخابات ریاست جمهوری گذشته و مجلس اخیر را تکرار کند.

ادامه پیروزی زحمتکشان ...

در بیانیه روز ۴ اردیبهشت ماه حزب کمونیست آفریقای جنوبی به مناسبت پیروزی "ک.م.ا." در انتخابات از جمله به کنفرانس "پولوکوانه" در آذرماه گذشته که در جریان آن جاکوب زوما به مقام رهبری جنبش انتخاب شد، و همچنین کارزار هدفمند مخالفان نژادپرست در حزب "اتلاف دموکراتیک" و نخبگان اپورتونیست که پس از کنفرانس از "ک.م.ا." انشعاب کردند، اشاره شده است. در این بیانیه حزب کمونیست تعهد خود به تعمیق سازماندهی سیاسی طبقه کارگر برای ایفای نقش تاریخی خود به مثابه نیروی محرکه برای تعمیق و استحکام دموکراسی در کشور را مورد تأکید قرار می دهد. بیانیه حزب کمونیست آنگاه تمامی انقلابیون و ترقیخواهان آفریقای جنوبی را فرا می خواند که با کار متحد امکان دستیابی به اهداف عالی جنبش را فراهم نمایند. "حزب کمونیست آفریقای جنوبی مردم را فرا می خواند که متفرق نشوند بلکه این نیروی محرکه ای را که در جریان کارزار انتخاباتی ایجاد شده است، مورد استفاده قرار دهند"، و کمیته های خیابانی و محلات را برای مبارزه با جنایت و فساد، تشکیل دهند، کمیته های مردمی برای بهداشت تشکیل دهند که در رابطه با چالش های فراهم آوردن امکانات کیفیتاً قابل قبول برای بهداشت مردم عمل کنند، کمیته های محلی آموزش برای پرداختن به امر ریشه کن کردن بیسوادی و تبدیل آموزش به یک موضوع اجتماعی را پایه ریزی کنند، کمیته های مردمی برای برخورد با مسئله اصلاحات ارضی، به منظور برخورد با مسئله امنیت غذایی با هدف مبارزه با گرسنگی، پایه ریزی کمیته های حمل و نقل عمومی برای ایجاد یک سیستم قابل اطمینان حمل و نقل شهری را هدف قرار دهند.

در بیانیه ای که در روز ۷ اردیبهشت ماه به مناسبت پانزدهمین سالگرد آزادی آفریقای جنوبی از آپارتاید منتشر شد، حزب کمونیست از جمله به چالش های در پیش رو برای جلوگیری از تغییرات کمی و کیفی به منظور بهبود زندگی مردم و دادن معنای واقعی به آزادی سخن گفت. بیانیه اعلام می دارد که: "ما قویاً اعتقاد داریم که به اجرا گذاردن مانیفست انتخاباتی "ک.م.ا." یکی از پلانفردم ها برای ایجاد زندگی بهتری برای همه مردم است." برای "ح.ک.ا.ج." جشن گرفتن پانزده سال پیشرفت در جریان دموکراسی همچنین به معنی تشدید مبارزه برای برچیدن بساط غیر انسانی سرمایه داری و تغییر اساسی مشخصه های استعماری اقتصاد کشور می باشد."

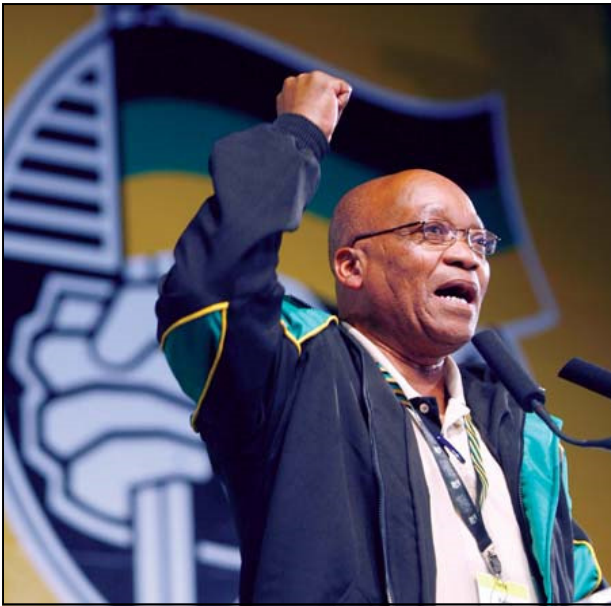
لبه تیز بحران سرمایه داری متوجه زحمتکشان است!

*** با ژرفش بحران جهانی میلیون ها تن از زحمتکشان به ورطه فقر رانده شده اند، به این دلیل فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (دبلیو، اف، تی، یو) خواستار مبارزه مشترک و متحد جنبش سندیکایی برای تضمین و تأمین منافع زحمتکشان در برابر، پیامدهای و تعدیات سرمایه داری است!**

بحران بی سابقه اقتصادی جهان را با یک رکود همه جانبه روبرو ساخته است و بیشترین صدمه نیز به زندگی و امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان وارد می آید. همزمان با گزارش جدید سازمان بین المللی کار که در آن با صراحت نسبت به وخامت اوضاع ابراز نگرانی و افزایش رشد بیکاری به بیش از ۵ درصد پیش بینی شده است، سندیکاهای کارگری بویژه در اروپا کارزار گسترده ای را برای مقابله با برنامه ها و سیاست های مالی دولت های اتحادیه اروپا سازمان می دهند. در آلمان، یونان، اسپانیا و ایتالیا سندیکاهای کارزار گسترده ای را آغاز کرده اند، چندی پیش به فراخوان اتحادیه های کارگری فرانسه ده ها هزار کارگر و کارمند در اعتراضی به سیاست حمایت دولت سارکوزی از بانک ها به زیان هزاران مزدبگیران در سراسر فرانسه دست به اعتصاب زدند که رسانه های بین المللی آن را اعتصابی عظیم و سازمان یافته معرفی ساختند. مطابق برآورد رسمی سازمان بین المللی کار که چندی پیش انتشار یافت با ژرفش بحران و تداوم رکود اقتصادی، در سال کنونی میلادی (۲۰۰۹) ۲۰ میلیون نفر دیگر در خطر بیکاری قرار دارند. آهنگ رشد بیکاری در سال جاری به بیش از ۷/۵ درصد خواهد رسید که به معنای افزایش ۵۱ میلیون نفر دیگر به شمار بیکاران جهان است. در حال حاضر آلمان به عنوان موتور اقتصادی اتحادیه اروپا با رشد ۸/۷ درصدی بیکاری روبرو است که از پیش بینی کارشناسان اقتصادی بسیار فراتر می باشد. در کشورهای اسکاندیناوی که زمانی ویتترین سرمایه داری جهانی تلقی می شد، آمار افزایش بیکاری زنگ خطر را به صدا درآورده است. رشد نابرابری اجتماعی بر اثر بحران در این کشورها، سیستم اجتماعی مدل سرمایه داری با چهره انسانی اسکاندیناوی را با بحران روبرو و ناکارآمد ساخته است. در چنین وضعیتی سازماندهی مبارزه با سیاست های ضد کارگری در دستور کار بسیاری از سندیکاهای اتحادیه های کارگری قرار دارد. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (دبلیو، اف، تی، یو) در روزهای ۱۵ و ۱۶ دسامبر سال گذشته میلادی در نشست خود در شهر لیسبون، پایتخت پرتغال که در آن ده ها سندیکای کارگری اروپا حضور داشتند و بیش از ۱۵۰ تن از رهبران و مسئولان جنبش های سندیکایی ۲۴ کشور جهان ناظر بر آن بودند، خواستار تشدید مبارزه و انسجام و اتحاد عمل جنبش جهانی سندیکایی گردید. در گزارش این نشست که در پایگاه اطلاعاتی فدراسیون ۱۸ دسامبر ۲۰۰۸ بازتاب یافته، از جمله آمده است: "شرکت کنندگان در نشست لیسبون اتفاق نظر سندیکاهای کارگری را در مسابلی چون اقدامات مشترک و متحد و بسیج ملی، منطقه ای و جهانی برای مبارزه و حمایت از حقوق بنیادین کار و منافع کارگران را بیان کرده و خواستار مبارزه در راه تأمین آنها شدند."

مبارزه سندیکاهای و تلاش بی وقفه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری نشانگر وضعیت فاجعه بار ناشی از بحران در زندگی و کار میلیون ها کارگردر چهار گوشه جهان است. بیکاری گسترده زحمتکشان، ورشکستگی واحدهای کوچک و متوسط تولیدی و صنعتی و بسیاری از موسسات غول پیکر مالی و بانک های بزرگ، گویای این واقعیت است که برخلاف تبلیغات امپریالیسم خبری، لبه تیز بحران و نیروی ویرانگر آن علیه طبقه کارگر و تولید کنندگان و سرمایه داران کوچک متوجه است. همچنانکه مارکس، با صراحت ارزیابی کرده بود، بحران نتیجه تضادهای درونی سرمایه داری است و خاص این شیوه تولیدی می باشد؛ بنابر این پدیده بحران نه تصادفی و نه اتفاقی و تعجب آور است. این بحران چنان ژرف و دامنه دار قلمدار می شود که در همایش داوس سوئیس (مجمع اقتصادی جهان) جورج سوروس میلیارد آمریکایی اعلام می کند، ابعاد بحران به طور چشم گیری گسترده تر از رکود دهه ۱۹۳۰ میلادی است. همین شخص با صراحت تأکید کرد: "وضعیت وخیم تر خواهد شد."

در برابر این وضعیت وخیم یگانه راه حل همانگونه که فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری (دبلیو، اف، تی، یو) اعلام می دارد، تشدید مبارزه و سازماندهی جنبش جهانی سندیکایی است!



جنوبی، به رهبران کبیر آن - اولیور تامبو، نلسون ماندلا، والتر سسیولو، و کریس هانی تقدیم می شود. در این گردهمایی "مالسلا مالکا"، سخنگوی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، گفت که مردم به فراخوان برای دفاع از ارنیه گرانهای کریس هانی، دبیرکل سابق "ح.ک.ا.ج." (از رهبران برجسته "ک.م.ا.") و فرمانده نیروهای مسلح آن در دوره مبارزه مسلحانه، که در فروردین سال ۱۳۷۲ در جریان سوء قصد از سوی محافل نژادپرست به قتل رسید) پاسخ مثبت دادند. او اضافه کرد: "ک.م.ا." از این انتخابات با حکم مستقیم از طرف مردم برای تغییر آفریقای جنوبی به جامعه ای بهتر بیرون آمده است. رسانه های گروهی به دلیل پیروزی چشم گیر "ک.م.ا." دارند زخم های خود را می لیسند. مردم آفریقای جنوبی کارزار نخبگان برای بدنام نشان دادن "ک.م.ا." و رهبر آن را رد کردند. "طبقه کارگر و فقرا امروز یک پیروزی بزرگ کسب کرده اند. دومین دهه آزادی باید دهه رسیدگی به کارگران و فقرا باشد." لازم به تذکر است که اعضای حزب کمونیست آفریقای جنوبی و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی همچنین عضویت کنگره ملی آفریقای جنوبی را هم دارند. بسیاری از مسئولان و رهبران کنگره ملی آفریقای جنوبی در سطح کشوری و منطقه ای از اعضای حزب کمونیست آفریقای جنوبی هستند.

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

۸۵ یورو	به یاد شهدای حزب توده ایران از فرانکفورت
۱۵۰ یورو	به یاد حیدرها و مهربانان بی شمار توده ای ها
۳۰۰۰ کرون	الف - فنی از سوئد
۲۰۰ کرون	ودود - از سوئد
۵۰۰ کرون	به مناسبت اول ماه مه

پیروزی زحمتکشان در آفریقای جنوبی!

* سندیکا های آفریقای جنوبی نقش برجسته ای در انتخابات ایفاء کردند!

جاکوب زوما، رهبر ترقی خواه و رادیکال کنگره ملی آفریقا (ک.م.ا.) در روز ۱۹ اردیبهشت ماه در مراسم باشکوهی در پرتوریا، پایتخت آفریقای جنوبی، پس از ادای سوگند و مراسم تحلیف، رسماً رئیس جمهور این کشور شد. در این مراسم با شکوه هزاران تن از مردم و شمار کثیری از سران کنونی و سابق کشور های جهان شرکت داشتند. زوما در روز ۱۶ اردیبهشت ماه بدنبال پیروزی "ک.م.ا." و متحدان آن در حزب کمونیست آفریقای جنوبی (ح.ک.ا.ج.) و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی (ک.ا.ک.ا.ج.)، با اکثریت بالائی در پارلمان این کشور به مقام ریاست جمهوری انتخاب شده بود. ۱۵ سال پس از پیروزی تاریخی مردم بر رژیم آپارتاید، انتخابات پارلمانی با اهمیت آفریقای جنوبی در روز ۲ اردیبهشت ماه با پیروزی "ک.م.ا." با ۶۵.۹٪ آراء رای دهندگان به پایان رسید. این پیروزی از آنجا اهمیت کلیدی پیدا کرده بود که در آذرماه گذشته به دنبال یک مبارزه سخت درون حزبی در کنفرانس ملی "ک.م.ا." جاکوب زوما توانست با اکثریت بالائی تابو مبکی، رئیس جمهور سابق، را شکست بدهد و به مقام رهبری مشهورترین جنبش آزادیبخش ملی آفریقا انتخاب شود. انتخاب زوما به دو دلیل، اول آنکه حزب کمونیست و اتحادیه های کارگری یک پارچه از او حمایت می کردند و اینکه رهبر قبلی، رئیس جمهور کشور، طراح و مدافع سیاست های نولیبرالی بود، اهمیت سیاسی فراوانی داشت. این حقیقتی است که آفریقای جنوبی در دوره پس از شکست و برچیده شدن رژیم آپارتاید در سال ۱۹۹۴ و به ویژه در طول سال های ریاست جمهوری تابو مبکی به بهشت سرمایه داران سیاه پوست تبدیل شده و برابری نژادی نتوانسته بود که اختلافات طبقاتی در کشور را تقلیل بدهد. زحمتکشان سیاه پوست ۱۵ سال پس از فروپاشی نظام آپارتاید، هنوز اسیر بندهای طبقاتی هستند و فقر و بیماری ایدز در کشور گسترش یافته است.

در روز ۳ اردیبهشت ماه و با مشخص شدن پیروزی یکپارچه "ک.م.ا." و متحدان آن در انتخابات یک روز قبل آن، جاکوب زوما در جمع هزاران تن از کارکنان، کمک دهندگان داوطلب و اعضای ستادهای انتخاباتی که در مقابل ساختمان مرکزی "ک.م.ا." در ژوهانسبورگ جمع شده بودند، با اظهار رضایت از نتیجه انتخابات اظهار داشت: حتی آنان که قبلاً می گفتند که "ک.م.ا." ۶۰٪ آراء را هم به دست نخواهد آورد اکنون از احتمال ۷۰٪ صحبت می کنند. ۲۳ میلیون تن از مردم آفریقای جنوبی یعنی ۷۷٪ صاحبان آراء در این انتخابات که عملاً به فراندومی در رابطه با طرد سیاست های نولیبرالی ۱۰ سال گذشته در دوره ریاست جمهوری تابو مبکی تبدیل شده بود، شرکت کردند. در این مراسم رفیق "زولینزیم اوای"، رهبر سندیکالیست های آفریقای جنوبی و عضو رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی گفت: پیروزی تاریخی امروز جنبش انقلابی ما، کنگره ملی آفریقای

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:
 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
 http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنتی و "ای-میل"
 E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 816
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Monday 11 May 2009

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
 ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
 شماره حساب 790020580
 کد بانک 10050000
 بانک Berliner Sparkasse